

ارزیابی میزان توجه به جایگاه توسعه پایدار محله محور در طرح های توسعه شهری

مطالعه موردی: طرح راهبردی-ساختاری تهران

دکتر راما قلمبر دزفولی*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۱۰/۱۳



چکیده

زمان کوتاهی است که واژگانی چون محله محوری، توسعه پایدار و محلات پایدار در شهرسازی معاصر مطرح شده، اما به سرعت توانسته است جایگاه ویژه ای در محافل تخصصی، دانشگاهی و حرفه ای در حوزه مدیریت شهری پیدا نماید. در این راستا یکی از مسائل مهم در رابطه با موضوعات مذکور و چگونگی به کارگیری این مباحث در یک ساختار صحیح و کارآمد از حیثه نظری به عمل و در اجرا است. این بحث با دنبال کردن دو هدف؛ ابتدا به بررسی اجمالی مفهوم پایداری محله و همچنین تجارب جهانی در این مورد پرداخته و اهمیت و جایگاه توسعه پایدار محله ای در طرح های توسعه شهری را دنبال نموده است و در هدف دوم با توجه به یافته های هدف نخست، طرح راهبردی - ساختاری شهر تهران در رابطه با میزان توجه به بحث توسعه پایدار محله ای به عنوان یک سند طرح توسعه ارزیابی گردیده است.

واژه های کلیدی

محله، محله پایدار، مشارکت، هویت، طرح ساختاری راهبردی، برنامه ریزی محلات

* دانش آموخته دوره دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
Email: ramaghalambor@gmail.com

مقدمه

محلّه بستر محیطی موثر بر تجربه رفتاری و عاطفی انسان (اهمیت از دیدگاه روان شناختی)

دیوید چپ من در کتاب آفرینش محلات و مکان ها در محیط انسان ساخت با نگرشی محلّه محور، شکل محیط انسان ساخت، به صورتی که ساکنان تجربه می کنند را بسیار موثر بر نحوه احساس لذت، طیف تجربه و مهم تر از همه فرصت های آن ها در زندگی دانسته و به عواملی چون توزیع تجهیزات، نحوه دسترسی و تجاربی معطوف می گرداند که به واسطه شکل کالبدی و محیط زیست انسان خلق می گردند (چپ من، ۱۳۸۴).

چنانچه عوامل مذکور در مقیاس شهر نیز دیده شوند، باز هم از نظر مهندسی احتمالات و با توجه به واسطه گری محلّه بین خانه و شهر، محلّه بیشترین تاثیر را نسبت به سایر مکان های شهری بر احساس و ادراک اولیه انسان نسبت به محیط انسان ساخت خواهد داشت.

محلّه بستری برای تعاملات فرهنگی (اهمیت از دیدگاه فرهنگی)
امروزه فرهنگ جوامع به عنوان یک سرمایه اجتماعی در برنامه ها و طرح های شهری مد نظر قرار می گیرد. در کلیه طرح ها و برنامه های شهری باید توجه به فرهنگ در سرلوحه مطالعات قرار گیرد و تطابق برنامه و طرح ها با فرهنگ از مقولات اساسی پایداری جوامع است (اخوان خرازی، ۱۳۸۷). محیط انسان ساخت مظهری از فرهنگ جامعه ای است که آنرا خلق کرده است (چپ من، ۱۳۸۴). بنابراین کالبد محلّه را نیز می توان کاملاً متأثر از فرهنگ ساکنان آن محلّه قلمداد نمود. این موضوع به تعاملات اجتماعی فرد در محلّه، به ویژه سنین کودکی که نقش به سزایی در شکل گیری فرهنگ فرد دارد اضافه شده و محلّه را علاوه بر تاثیر محیطی بستری برای شکل گیری و تاثیر پذیری فرهنگی فرد می گرداند.

محلّه بستری برای تصور ذهنی شهر (اهمیت از دیدگاه انسانی)
بررسی تصور ذهنی مردم نشان می دهد یک اجتماع محلی واجد نام، اغلب عضو مهمی از ساختار ذهنی شهروندان است. حتی جایگاه محلّه ممکن است در روابط اجتماعی کلانشهری کم رنگ شده باشد ولی همراه معابر اصلی، بخش مهمی از ساز و کار ذهنی است (لینچ، ۱۳۷۶). از آن جا که در برنامه ریزی بحث نظارت و مدیریت از مسائل اصلی است و همچنین تمایل به مشارکت ساکنان در نظارت و مدیریت نیز در سال های اخیر تشدید شده است می توان اندازه و تفکر محلّه را مقیاسی مناسب برای نوعی برنامه ریزی دانست که در آن نظارت با همکاری ساکنان صورت می پذیرد.

حدود نیم قرن پیش لویی مامفورد به دفاع از نظریه برنامه ریزی از طریق محلّه ها پرداخت. او نتیجه گیری کرده بود که باید محلّه ها را از طریق برنامه ریزی رونق داد به طوری که عضوی از اندام های یکپارچه شهر شوند (مدنی پور، ۱۳۸۷).

در دهه های اخیر نیز، بسیاری از سازمان ها و نهادهای مدیریت و برنامه ریزی بر ترویج نوعی نگرش مشارکتی برای تشویق مدیریت و برنامه ریزی از "پائین به بالا" و توجه به اجتماعات محلّه ای به منظور توانمندسازی آن ها و نظارت بر اقدامات توسعه ای تاکید داشته اند. این دیدگاه با نگرش توسعه پایدار به علت وجود اهداف مشترک، هم راستا شده و واژگانی چون توسعه محلّه ای پایدار را وارد متون تخصصی برنامه ریزی شهری شده است. این نوع توسعه با توجه به ماهیت برنامه ریزی محور آن نیازمند جایگاهی مشخص در سلسله مراتب نظام برنامه ریزی شهری یک کشور است. اما دلایل اهمیت محلّه در نظام برنامه ریزی، مفهوم توسعه محلّه ای و نحوه برخورد با آن در طرح های توسعه شهری و همچنین رویکردهایی که در جهان نسبت به این بحث وجود دارد موضوعاتی است که به آن ها پرداخته شده است تا در نهایت طرح راهبردی ساختاری کلانشهر تهران ارزیابی گردد و در این رابطه پیشنهادهای به عنوان هدف عملیاتی ارائه گردیده است.

دلایل اهمیت مقیاس محلّه در سلسله مراتب برنامه ریزی توسعه شهر

دلایلی که باعث اهمیت این مقیاس در برنامه ریزی شهری می گردد:

محلّه بستری برای سازگاری شهر با محیط زیست (اهمیت از دیدگاه محیطی)

یکی از دلایلی که بر محلّه تاکید می شود در راستای افزایش آگاهی نسبت به محیط صورت می پذیرد و در پی ایجاد شکل های پایدار شهری است. یک سازماندهی فضایی که بتواند برخی از تسهیلات و تاسیسات محلی را در دسترس همگان قرار دهد می تواند از تعداد سفرهای شهری که یک خانوار باید انجام دهد بکاهد. برنامه ریزی از طریق محلّه در مقایسه با حومه هایی که رشد بی رویه داشته اند یا مسکن تک عملکردی که فاقد تسهیلات بوده اند، واجد برخی مزایای آشکار است. بنابراین برنامه ریزی در ایجاد شکل پایدار شهری می تواند موثر باشد اگر برای مدیریت رشد حومه های شهر به کار گرفته شود (مدنی پور، ۱۳۸۷).

مفهوم توسعه پایدار و توسعه ممله ای پایدار از ایده تا اجرا

توسعه پایدار اولین بار به مفهوم برآوردن نیازهای فعلی بدون از بین بردن قابلیت‌های نسل‌های آینده در تامین نیازهای خود با یک رویکرد سه جانبه محیطی، اقتصادی و اجتماعی مطرح گردید. توسعه پایدار حالت تکاملی برنامه‌های توسعه است که با دیدی کل‌نگر و نیز با تاکید بر بینشی سیستمی سعی دارد رویکردی تعادل‌بخش را دنبال نماید.

در مورد بحث کلی پایداری می‌توان به نکات زیر اشاره نمود:

- به واسطه تغییر نیازهای انسان بسته به زمان و مکان مفهوم پایداری نیز مرتبا در حال تغییر است. بنابراین مفهوم پایداری باید جوابگوی زمان حال و مباحث امروزی باشد و شاید در سال‌های آتی تعریفی دیگر در اذهان شکل گیرد همان گونه که در قرون قبل دیدگاه‌ها در این زمینه از آرمان شهرها تا توسعه پایدار امروزی متفاوت بوده است.

- پایداری مفهومی پویا است و تاکید بر بهره‌گیری از منابع در حالت ماندگار دارد. این موضوع پس از ایجاد چالش‌های گوناگون در محافل علمی جهانی به تدریج سایر مفاهیم را تحت تاثیر قرار داد که شهر پایدار و محله پایدار از آن جمله است.

- انسان همواره به دنبال محیطی پایدار برای زندگی خود بوده است با این تفاوت که در سیر روند اندیشه‌ها، دیدگاه‌های دوران اخیر بیشتر جنبه عملی پیدا کرده است.

ایده محله پایدار به سال ۱۹۹۶ پس از شکل‌گیری و بسط نظریه توسعه پایدار در مجامع جهانی توسط مهندسين مشاور اربد^۱ مطرح شد که بسیار با نظرات نوشهرگرایان نزدیک، و نوعی قالب بندی مفهوم توسعه پایدار برای جنبه‌های مختلف در ساختار محله بوده و به صورت زیر تعریف شده است:

- بناها و فضاها باید واجد مقیاس انسانی بوده ولی ماهیت شهری داشته باشند.

- شبکه معابر و میادین باید به عنوان مسیر و فضای عمومی خدمات رسانی کنند.

- اختلاط در کاربری‌ها و مالکیت‌ها وجود داشته باشد.

- تراکم باید برای ایجاد سرزندگی در خیابان‌ها و اماکن عمومی کافی باشد.

- واجد کمترین اثرات جانبی بر محیط زیست باشد.

- امکانات برای تشویق حس مسئولیت ساکنان ایجاد گردد.

- حس مکان را القا کند.

- دارای تاسیسات و امکانات پایدار باشد.

- دارای کیفیت‌های یکپارچگی و ماندگاری باشد (Cowan, 2005).

از طرف دیگر حمایت قانونی چنین طرح‌هایی نیازمند جایگاه قانونی در نظام برنامه ریزی کشورها است تا ضمانت اجرایی و سندیت خود را حفظ نماید و همین موضوع با تلفیق موضوعات دیگری چون جهانی شدن و اقتصاد رقابتی در حال رقم زدن رویکردهای نوین در عرصه برنامه ریزی شهری است.

تجارب جدید جهانی برای تعریف جایگاه ممله در نظام برنامه ریزی توسعه شهری

رویکرد نوین برنامه ریزی فضایی^۲

بعد از سال ۲۰۰۰ میلادی با توجه به ایجاد اتحادیه اروپا و پر رنگ شدن اقتصاد شهرها و نقش آن‌ها در روند جهانی شدن رویکرد نوینی در برنامه ریزی کشورهای اروپایی شکل گرفت که به رویکرد برنامه ریزی فضایی مشهور شد.

- برنامه ریزی فضایی برنامه‌ای است که به صورت فرادست و به جای برنامه سنتی کاربری زمین به کار می‌رود و سیاست‌های توسعه و نحوه استفاده از کاربری زمین را با سایر خط‌مشی‌ها و برنامه‌هایی که در توسعه‌ها و جوامع محلی تاثیر گذارند با هم در نظر گرفته و جمع می‌کند و بیان می‌کند که عملکرد آن‌ها چگونه باید باشد.

- این روش به جای سیستم‌های پیشین که تنها موضوعاتی را که برای کاربری زمین و توسعه زمین مهم بوده ارزیابی می‌کرد، به یکپارچگی تمامی توسعه‌ها با یکدیگر و تاثیرگذاری آن‌ها (مانند بهداشت، آموزش) تمرکز دارد.

- روش‌های برنامه ریزی فضایی برای آگاهی دادن فعالیت‌های بخش دولتی و خصوصی به کار می‌رود، که در محل آن فعالیت‌ها تاثیر گذار است و این فعالیت‌ها را به هم مرتبط می‌کند.

علل اصلی مطرح شدن این نوع برنامه‌ها را می‌توان در موارد زیر مشاهده نمود:

- تشکیل اتحادیه اروپا و ارتباطات اقتصادی و نیاز به پیروی از دستورالعمل‌های مشابه (به طور تعمیم یافته پدیده جهانی شدن)

- ایجاد یکپارچگی و انسجام بیشتر در طرح‌ها در سطوح ملی و محلی

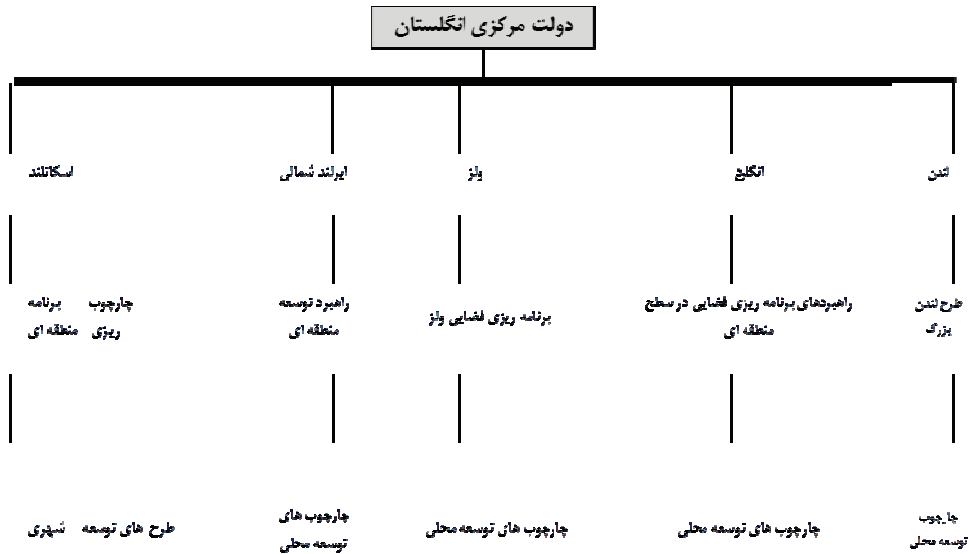
- امکان تحلیل‌های فضایی یکپارچه علیرغم حجم بالای اطلاعات و بررسی همه جانبه، با کمک ابزار توانمند GIS

روش جدید برنامه‌های فضایی ویژگی‌های زیر را دنبال می‌کند:

- ارائه چشم انداز روشن برای الگوی توسعه آتی منطبق بر اصول پایداری

- تجمیع نیازها و مسائل محلات و ارتباط آن‌ها با توسعه زمین

- یکپارچه سازی توسعه و بازآفرینی اهداف با سایر راهبردها و برنامه‌ها



شکل ۱. سلسله مراتب نوین برنامه ریزی در انگلستان و جایگاه برنامه ریزی فضایی و چارچوب های توسعه محلی در آن (ماخذ: www.planningportal.gov.uk, 2008)

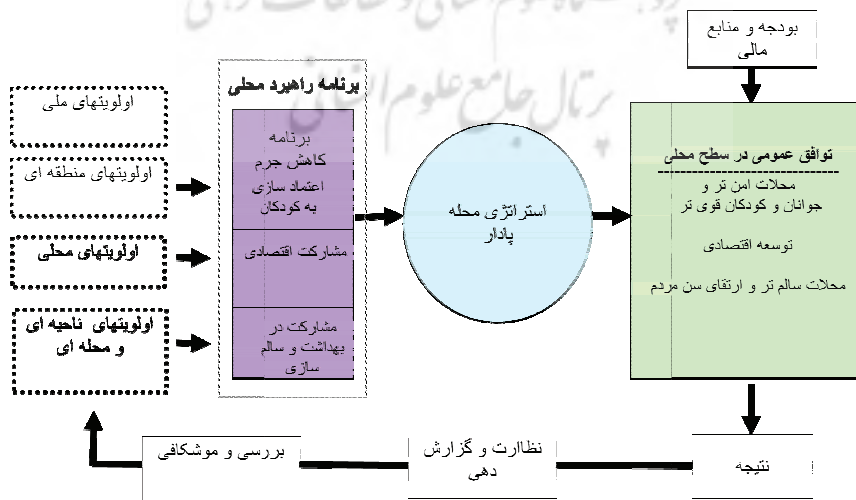
محلی^۳ در زیر مجموعه خود برنامه های راهبردی محلی را دارد که وظیفه و نقش آن را در موارد زیر می توان عنوان نمود:

- راهبرد هماهنگی با سطح برنامه ریزی
- تولید راهبرد محله پایدار
- ایجاد کننده یک توافق عمومی در سطح محلی
- توافقی برای برنامه های عملیاتی به منظور دستیابی به راهبرد و توافق عمومی در سطح محلی (TSO, 2008)

در شکل ۲ نحوه ارتباط بین برنامه راهبردی محلی و توافق عمومی در

هدف اصلی در این برنامه ریزی جدید رسیدن به توسعه پایدار و جوامع محلی پایدار است. این دو ایده می توانند ده ها هزار موضوع را جهت دهی کنند. از جمله کشورهای پیش کسوت در این شیوه نوین، کشور انگلستان است که با تغییر نظام برنامه ریزی ساختاری، نظام برنامه ریزی خود را متحول نمود که در شکل ۱ ارائه گردیده است.

نمودار شکل ۱ نشان دهنده دو سطح اصلی برنامه ریزی است که در سطح بالا راهبردهای فضایی منطقه ای را شامل شده و سپس چارچوب های توسعه محلی در سطح پایین تر قرار می گیرد. این چارچوب های توسعه



شکل ۲. نمودار نحوه ارتباط و تعامل چارچوب برنامه راهبردی محلی و توافق و مشارکت در سطح محلی (ماخذ: ODP, 2005)

سطح محلی نشان داده شده است.

در همین راستا نمودار شکل ۳ نحوه تعامل بین سطوح مختلف برنامه ریزی را جهت یکپارچگی طرح های ملی و محلی نمایش می دهد که در آن پس از به اشتراک گذاری داده های سطوح مختلف اعم از اهداف ملی، راهبردهای منطقه ای، تحلیل های فضایی و داده ای و اولویت های محلی مطابق با برنامه ریزی راهبردی محلی و همچنین بیانیه های مشارکت محلات عمل یکپارچگی و تطابق استراتژی ها با کمک سازوکارهای پیشنهادی انجام می شود.

نکته آخر در خصوص این پارادایم ها، این که همپوشانی ها، افزونگی ها و نقص ها در سطح محله ای زمانی که افراد و نهادهای محلی در حال دست و پنجه نرم کردن با موضوعات مشابه هستند بدون اینکه به طور مناسبی به هم مرتبط شده باشند تا از دستاوردهای یکدیگر بهره برده و یا از تدابیر ملی - منطقه ای برخوردار شوند مهار نخواهد شد، مگر این که تمرکز بر راهبرد ملی برای ایجاد و قانونی کردن رویکردی هماهنگ و هم راستا سازی آن با موضوعات محله ای، چه در سطح خود محله باشد مانند مشارکت های راهبردی محلی^۴ و یا در سطح منطقه ای باشد نظیر بهبود هماهنگی ها و یکپارچگی ها، تحقق یابد (Wallce, 2001).

استنتاج از رویکردهای نوین

نتایج مباحث مطروحه را می توان به اختصار جمع بندی نمود:

- تجارب و مباحث اخیر در طرح های توسعه تاکید خاص بر برنامه ریزی محله مینا را نشان می دهد.
- از عمده علل توجه مدیران شهری به بحث محله استفاده از توان بالقوه

ساکتین در مشارکت برنامه ریزی محلی به عنوان بخشی از طرح های توسعه شهری است.

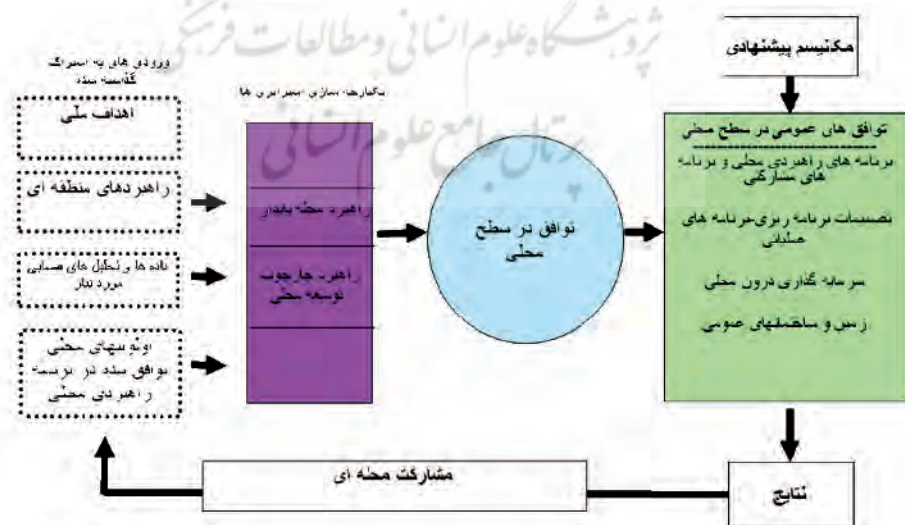
- در مشارکت محله ای تاکید خاصی بر باهمستانی و هویت محله ای، با توجه به تقویت حس تعلق به مکان و احساس مسئولیت صورت می پذیرد.

- مدیریت کلان کشور، برنامه ریزی محلات در سلسله مراتب سطوح برنامه ریزی کشوری به نحوی ملحوظ گردیده است.

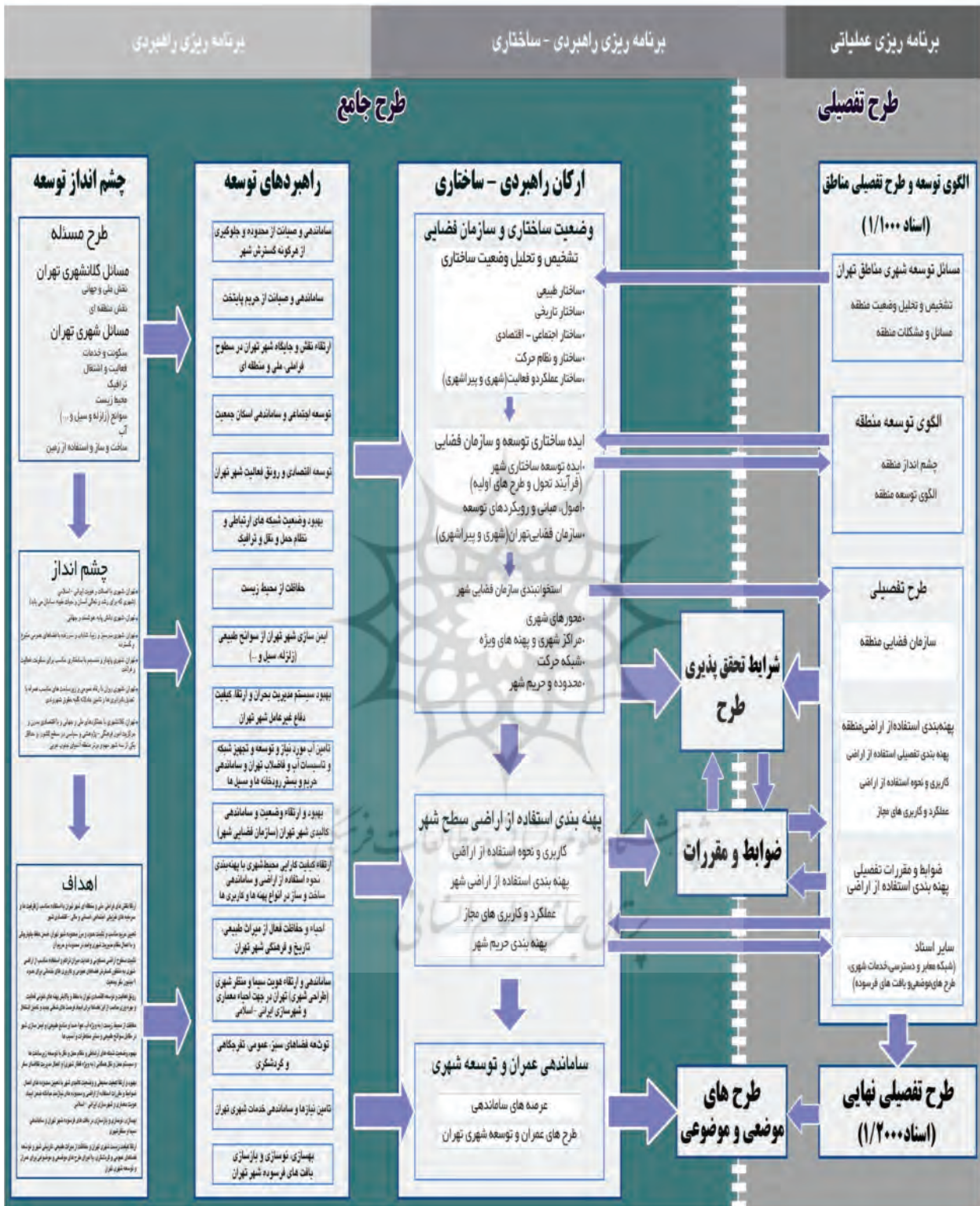
- با توجه به اهمیت نقش اقتصادی شهرها و نحوه توزیع فعالیت ها، جهت هماهنگی بین برنامه های محله ای و سطوح بالاتر از نوعی برنامه ریزی یکپارچه با عنوان برنامه ریزی فضایی استفاده می گردد تا راهبردهای کلان و خرد را باهم هم راستا نماید.

برنامه راهبردی - سافتاری شهر تهران

کلانشهر تهران، با مشکلات عدیده رو به رو است، طی چند سال اخیر برای حل این معضلات دولت در حال تهیه و تصویب طرح توسعه جدید شهری تحت عنوان ساختاری-راهبردی بوده است. به گفته دست اندرکاران و متولیان آن در صدد تغییر پارادایم در نحوه تهیه و نگرش نسبت به طرح های گذشته (طرح جامع) است. در این رابطه طرح مذکور علاوه بر ارائه راهبردی پیشنهادات برای رسیدن به اهداف مد نظر، تقسیم مناطق شهری در اسناد طرح تفصیلی و همکاری شهرداری مناطق به عنوان نهاد اجرایی را با مشاور هر منطقه شهر مد نظر داشته است که این مسئله نسبت به گذشته دستاوردی بزرگ در جهت دخیل کردن گروه های ذینفع و ذی نفوذ نسبت به سابق است (مهندسین مشاور بوم سازگان پایدار، ۱۳۸۶).



شکل ۳. نمودار نحوه تعامل بین سطوح مختلف برنامه ریزی را جهت یکپارچگی طرح های ملی و محلی (ماخذ: ODPM, 2005)



شکل ۴. فرآیند و اسناد طرح راهبردی ساختاری شهر تهران (ماخذ: مهندسین مشاور بوم سازگان پایدار، ۱۳۸۶)

ارزیابی طرح توسعه شهر تهران در رابطه با توجه به بحث ممله

این سند توسعه شهری و متعلقات آن علیرغم تمامی دستاوردها و رویکرد های نوینش، نسبت به بحث محله، برنامه ریزی محله ای و محله محوری چندان موثر و پر رنگ عمل ننموده است. اکثر مشاوران تهیه اسناد توسعه مناطق شهرداری در این مورد، مسئله را ناشی از ضعف و بی توجهی در شرح خدمات دانسته و عده ای دیگر مشاوران تهیه کننده طرح را موظف به تطبیق و بسط موضوع قلمداد نموده اند. به هر حال در اسناد این طرح توسعه شهری کم رنگی نقش محله و برنامه ریزی برای آن، کاملاً مشهود است. تنها در اواخر فهرست شرح خدمات طرح تفصیلی مناطق از بخش برنامه ریزی محلات نام برده شده است که نتیجه آن در گزارشات و مستندات مشاوران به صورت ارائه هسته های پیشنهادی بر اساس توزیع فضایی خدمات است که در بسیاری موارد با محله های شکل گرفته موجود ارتباطی ندارد.

به منظور ارزیابی از روش مقایسه تطبیقی طرح با استنتاجات صورت گرفته در بخش مبانی، تجارب جهانی استفاده شده است که می توان آن را نوعی ارزیابی استراتژیک قلمداد نمود. نتیجه مقایسه تطبیقی با زمینه های ذکر شده در مورد بحث محلات در جدول ۱ ارائه گردیده است. چنین دیدگاهی که شرح خدمات طرح در ایجاد آن تاثیر گذار بوده است، در صورت تحقق، باعث به هم ریزی ساختار محله ای کنونی، سرگستگی شهروندان در تصور ذهنی محیط و تضعیف حس تعلق به مکان می شود. بیان این موارد نه به دلیل اهمیت خود محله در شهر و یا تضعیف هویت محله ای بلکه به دلیل ضعف در ایجاد زیر ساخت های مشارکت مردمی است که در سلسله مراتب یک کلانشهر، در بخشی با

عنوان محله بیش از سایر موارد مشهود است و در نتیجه آن چه در طرح توسعه مناطق شهرداری ارائه گردیده است، همان است که در نظریه های برنامه ریزی از آن به برنامه ریزی برای مردم تعبیر می گردد. چنین تعبیری مغایر ایجاد حس مشارکت شهروندی به عنوان یک هدف امروزی در مدیریت شهری پایدار است.

نتیجه گیری

نتایج در ابتدا نشان دهنده دلایل توجهی قرار گرفتن طرح توسعه محله ای در سلسله مراتب شهری و سپس تجارب جهانی نحوه برخورد با این مسئله بود. در این بخش بیشتر از تجارب جدید کشور انگلستان استفاده گردید که با تغییر در سطوح برنامه ریزی به گونه ای سعی در ایجاد یک رابطه دو سویه بین سطوح بالا و پایین برنامه ریزی دارد. بدین صورت که برنامه ریزی فضایی، راهبردها را بر اساس توزیع بهینه و نقش منطقه ای به یک چارچوب برنامه ریزی محلی القا کرده و سپس محلات بر اساس برنامه ریزی فضایی فرادست، برنامه ریزی را در سطح محله ای دنبال می کنند. آن چه مسلم است در نگرش توسعه پایدار موضوع محله و برنامه ریزی برای آن نه فقط از جنبه کوچک کردن سطوح برنامه ریزی بلکه عاملی اصلی، برای به کار گیری مشارکت مردمی و توان بالقوه ساکنان است که در ساختار محله ای با توجه به کوچک تر بودن، ملموس بودن و ارتباط حسی و ذهنی تجلی بیشتری نسبت به کل شهر و یا منطقه شهری می یابد. در ادامه با نگاهی اجمالی به طرح جامع جدید شهر تهران، کم رنگ بودن و شاید نوعی نادیده گرفتن بحث برنامه ریزی محله از دیدگاه ابزاری برای

جدول ۱. جدول مقایسه تطبیقی بحث برنامه ریزی محلات در رویکردهای نوین جهانی و طرح توسعه جدید شهر تهران

زمینه ها	سند جدید توسعه شهر تهران	برنامه ریزی محلی با توجه به رویکردهای نوین جهانی
نحوه نگرش	محلات به عنوان بخشی توصیفی در الگوی توسعه مناطق شهر	بخشی از یک برنامه ریزی فضایی یکپارچه
اهداف و فرایند برنامه ریزی	نگاه به محله برای توزیع بهتر خدمات و با فرایند ایجاد هسته های پیشنهادی برای توزیع بهتر خدمات با ایده مشاور طرح	مشارکت مردم و محله محوری با فرایند تهیه چارچوب های راهبردی محلی با پیروی از راهبردهای سطوح فرادست
رابطه سطوح مختلف برنامه ریزی	عدم وجود سطحی تعریف شده برای محلات	سطح دوم از نظام برنامه ریزی دو سطحی برای شهر یا منطقه که چارچوب های محلی با توجه به مقتضیات محله در آن تعیین می گردد.
مشارکت گروه های ذینفع در برنامه ریزی	نظریه برنامه ریزی برای مردم توسط گروه های ذی نفوذ (مشاور، شهرداری و دولت)	نظریه برنامه ریزی با مردم از طریق مشارکت راهبردی محلی
امکانات اجرایی و تحقق پذیری	مدیریت شهری بدون استفاده از امکانات محلی و تحقق پذیری مشکل	مدیریت شهری و محلی توأم مشارکت بیشتر مردمی و امکان تحقق پذیری بیشتر

فهرست منابع

۱. اخوان خرازی، کامیار، (۱۳۸۷)، «**رویکردی تحلیلی به ضرورت توجه به فرهنگ جوامع**»، مجله هویت شهر شماره ۳.
۲. مدنی پور، علی، (۱۳۸۷)، «**فضاهای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه دکتر فرشاد نوریان**»، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهر، تهران.
۳. لینچ، کوین، (۱۳۷۶)، «**تئوری شکل خوب شهر**»، ترجمه دکتر سید حسین بحرینی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
۴. حاجی پور، خلیل، (۱۳۸۵)، «**برنامه ریزی محله - مبنا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار**»، نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
۵. وزارت مسکن و شهرسازی، (۱۳۸۲)، «**برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری**»، انتشارات حوزه معماری و شهرسازی وزارت مسکن و شهرسازی.
۶. چپ من، دیوید، (۱۳۸۴)، «**آفرینش محلات و مکان ها در محیط انسان ساخت**»، ترجمه منوچهر طیبیان و شهزاد فریادی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
۷. مهندسین مشاور بوم سازگان پایدار، (۱۳۸۶)، «**اسناد طرح راهبردی - ساختاری توسعه و عمران شهر تهران**»، نهاد مطالعات و تهیه طرح های توسعه شهری تهران، تهران.
8. Cowan, Robert, (2005), " **The Dictionary of Urbanism**", Streetwise press.
9. ODPM, (2005), "**LSPs shaping their future – a consultation document**", London.
10. TSO, (2008), "**creating strong safe and prosperous communities through Local Spatial Planning**", TSO, London.
11. Wallace, Miora, (2001), "**A new approach to neighbourhood renewal in England**", Urban Studies, Carfax Publishing, United Kingdom, v38 n12 p2163-66.
12. <http://www.communities.gov.uk/publications/planningandbuilding/protocolhandling>
13. www.pas.gov.uk/planmakingmanual,2008
14. <http://www.planningportal.gov.uk,2008>

مشارکت شهروندی استنتاج گردید که چنان چه موضوع محلات به گونه ای در این سند توسعه شهری ملحوظ نگردد، احتمال ناکامی طرح در رسیدن به اهداف خود علیرغم وجود نکات مثبت آن بسیار زیاد است. در این مورد می توان موارد پیشنهادی زیر را جهت اصلاح ساختار طرح توسعه شهر تهران مطرح نمود:

- در زمانی کوتاه، باز نگری و انطباق مطالعات انجام شده و طرح های پیشنهادی بر اساس ساختار محله ای شهر، دنبال گردد.

- در فرآیند باز نگری با روی هم اندازی لایه های طرح و محلات شهر، طرح های جدیدی که به ساختار محله ای موجود آسیب می رسانند در صورت امکان مورد تجدید نظر قرار گیرد.

- با برنامه ای میان مدت، ساختارهای لازم جهت جایگزینی برنامه ریزی های محله مبنا را با توجه به نقش هر کدام از محلات در شهر (بر اساس اسناد فرادست) در راستای استفاده از توان ساکنان محله، میسر گردد.

- هم زمان با تقویت علمی و تخصصی ساختارهای مدیریت محلی مانند شورایی ها، زمینه های حقوقی تفویض اختیار به این نهادها، دنبال گردد.

- پس از انطباق طرح ها با ساختار محله ای آن را جهت تایید و اظهار نظر در اختیار ساکنان و مدیریت محلی قرار دهند.

- جهت تعیین راهبردهای محلی انطباق طرح ها و برنامه ریزی محلات، مفاهیم پایداری و پایداری محله ای در نظر گرفته شود.

- آموزش و بالابردن سطح آگاهی ساکنان به منظور درک بهتر مسائل و هم سویی با متخصصین مربوطه صورت گیرد.

در انتها باید اذعان داشت که ارزیابی صورت گرفته و پیشنهادات ارائه شده در حد مقدماتی بوده و جهت اخذ نتایج بهتر به مطالعات دقیق تر و ارائه پیشنهادات کاربردی تری نیاز است.

پی نوشت ها

1. Urbed
2. Spatial Planning
3. LDF
4. LSP